

## دیوید اپتر

---

درزمره کارکرد گرایی است و کتابش سیاست نوسازی نام دارد تعریف نوسازی از نظر اپتر: نوسازی یک پدیده خاص است که معنای محدود دارد و متضمن نقش‌های اجتماعی جدید بر خاسته از جامعه صنعتی در دل جامعه سنتی است در حالی که توسعه‌ی روندی عام دارد و جهان شمول است و شامل تمامی تغییرات می‌شود.

از نظر اپتر برای رسیدن به توسعه سه مرحله را باید طی کنیم

**مرحله جامعه سنتی**

**مرحله نوسازی**

**مرحله صنعتی**

نوسازی از نظر اپتر سه ویژگی دارد:

**نوآوری دائمی نظام اجتماعی**

**ساختار اجتماعی تمایز یافته**

**تدوین و ارائه دانش برای زندگی در جهان پیشرفته تکنولوژیک**

از نظر اپتر در مجموعه هدف نوسازی آماده کردن رو بناهای جامعه سنتی برای زندگی صنعتی (اقتصاد صنعتی) است.

نوسازی همزمان به ملاحظات درونی و بیرونی مربوط می‌شود.

ملاحظات بیرونی با این هدف که ظهور نقش‌های جدید اجتماعی که از قبل صنعتی شده است.

ملاحظات درونی به این دلیل که به تدریج با ویژگی‌های جامعه سنتی وفاق پیدا کند.

علی ایحال از دیدگاه اپتر دیگر تجدد دو گانه و ناسازگار به نظر نمی‌آیند.

---

و اپتر می‌گوید اولاً هر جامعه راه حل خاص خودش را دارد و می‌توان تنش را کاهش داد

چهارنوع نظام سیاسی از نظر اپتر

---

	(اقتدار سلسله مراتبی)	اقتدار رهبری
ارزش‌های کمالی	(نظام بسیجی)	نظام مذهبی
ارزش‌های ابزاری	(نظام اصلی دیوان سالاری)	نظام آتشی

ثانیاً بصورت پلکانی حرکت می‌کند و تلاش می‌کند که به مرور زمان و آگاه نمودن جامعه بحث نوسازی و توسعه را دنبال می‌کند.

اول به همین دلیل الگوی اپتر پیچیده می‌شود و فایده‌ی عملی آن از بین می‌رود.

دوم به بینش تقریباً غایت‌گرایانه از توسعه متوسل می‌شود

### ارگانسکی:

دیدگاه خود را در کتاب مراحل توسعه سیاسی ارائه کرده است.

به عقیده ارگانسکی مراحل توسعه از چند مرحله باید گذر کند:

**مرحله اول: یک پارچگی اولیه**

**مرحله دوم: صنعتی شدن**

**مرحله سوم: وضعیت مناسب**

**مرحله چهارم: دوره وفور و فراوانی**

ارگانسکی بر این عقیده است که برای عبور از این مراحل بحران‌های خاص خود را دارد و نیاز به یکسری اقدامات خاص دارد.

**مرحله اول:** با یک پارچگی اولیه تمامی جوامع قبل از سرمایه داری این مرحله را طی می‌کند.

قدرت مرکزی ضعیف و جمعیت بسیجی کمی می‌باشد.

اقتصاد بر پایه کشاورزی استوار است.

**مرحله دوم:** مرحله صنعتی شدن که فرد از الزام نوسازی سرچشمه می‌گیرد و در این مرحله دولت‌ها اقدام به انباشت سرمایه، ورود نخبگان اقتصادی به صحنه قدرت و مهاجرت کارگران و کشاورزان به سوی شهرها البته در این مرحله انباشت سرمایه عملی نمی‌شود مگر با بهای سنگین اجتماعی ارگانیک اظهار می‌دارد که در طول تاریخ فقط سه نظام توانسته‌اند راه حل پیدا کنند:

**الف) بورژوازی‌ها**

**ب) رژیم استالینی**

**ج) فاشیستی**

**مرحله سوم** مرحله وضعیت مناسب: در این مرحله تلاش دولت معطوف به بهبود سطح زندگی اقشار مختلف اجتماعی است و دولت‌ها در این مرحله برای ارضای این تقاضاها و فشارها و همچنین برای تقویت ساختار صنعتی در حال زایش، توزیع و امکانات را در برنامه خود قرار می‌دهند.

در این شرایط سه نوع نظام سیاسی می‌توانند خود را تحمیل نمایند:

**دموکراسی غربی**

**کمونیست بعد از استالین**

**دولت نازی**

**مرحله وفور و فراوانی:**

از نظر ارگانیک این مرحله متعلق به آینده جوامع صنعتی است و باعث افزایش تولیدات می‌شود و فراوانی کالا را به دنبال دارد و نظارت دولت به اقتصاد ضروری است.

برینگتون مور: دیدگاه‌های خود را در این کتاب ریشه‌های اجتماعی و دیکتاتوری و دموکراسی ارائه کرده است.

آقای مور چگونگی تحویل جامعه‌ی سنتی به جامعه صنعتی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

هدف اصلی این کتاب کشف راه‌های مختلف توسعه و نوسازی و قوانین تحول سیاسی و اجتماعی در نقاط مختلف جهان است.

مور بادودسته از نظریات رایج توسعه مخالف می‌باشد.

**الف: نظریات مارکسیستی نوین درباره توسعه و عقب ماندگی**

**ب: توسعه تک خطی درمیان برخی دانشمندان غرب**

از نظر مور عوامل داخلی درخصوص توسعه و عقب ماندگی از عوامل اصلی هستند.

راه‌های نوسازی در جوامع سنتی از دیدگاه مور از سه راه صورت گرفته است

**راه دموکراتیک و سرمایه داران**

**راه نوسازی محافظه کارانه**

**راه نوسازی کمونیستی**

**راه نوسازی و سرمایه دارانه:** درسه کشور انگلستان، فرانسه و آمریکا انقلاباتی خشونت آمیزاتفاق افتادونتیجه اش

پیدایش سرمایه داری و دموکراسی بورژوازی بوده است. و انباشت مازاد اقتصاد بوسیله سرمایه دار صورت گرفت.

**راه نوسازی و محافظه کارانه:** از راه انقلاب از بالا که این راه سرمایه دارانه است، ولی به پیدایش فاشیسم

انجامید. انباشت اقتصاد بوسیله دولت و سرمایه دار صورت گرفت.

**راه نوسازی و کمونیستی:** دهقانان قربانی این شیوه نوسازی بودند و بوسیله کمونیستی سرکوب گردیدند و در

شیوه کمونیستی دولت عامل اصلی این انباشت بود.

و کشورهای که دست به این انقلابات نزدند امروز به عنوان کشورهای عقب مانده هستند.

علی ایحال آقای مور نظریه پرداز نو سازی است و زمینه های ارتباط او با این مکتب عبارت است از **اول**: اینکه او تاکید دارد نوآوری در سطح سیاسی عامل کلیدی در دولت های مدرن است.

**دوم**: به نظر او گرچه تکنولوژی غرب جهان را فرا خواهد گرفت اما مسیرهای مختلفی به مدرنیسم منتهی می شود. می توان نتیجه گرفت که او نظریه پرداز تک خطی نیست

**سوم**: او بر اهمیت وجود رهبر سیاسی قدرت مند تاکید دارد

**چهارم**: مور اهمیت علل اقتصادی را به رسمیت می شناسد اما در شیوه ساختاری او هیچ اشاره ای به عامل یک بعدی نمی شود.

**آلموند و پاول**: نظریه کارکرد گرایی خود را در کتاب سیاست تطبیقی ارائه کردند این کتاب مکمل کتاب آلموند و کلمن در سال ۱۹۶۰ بود آلموند و پاول معتقد به توسعه سیاسی هستند.

از دیدگاه اینان کار ویژه های نظام سیاسی به شرح ذیل می باشند

### **ویژه های تبدیل و استحاله**

#### **کار ویژه های تطبیق**

#### **کار آیی های کار کردی نظام سیاسی**

**کار ویژه و استحاله**: این کار ویژه جنبه جهان شمول دارد و شدیداً تحت تأثیر سطح توسعه جامعه هستند.

و این کار ویژه بر اساس حمایت جامعه از نظام می باشد و این حمایت ها و تصمیمات موثری که بر کل جامعه تأثیر می گذارد و تبدیل می شود این کار ویژه طرح تجمیع علائق، تجمیع منافع، تمهید قوانین، اجرای قوانین و وظیفه قوه مجریه است.

**کار ویژه تطبیق**: این کار ویژه از طریق ساز و کار عضو گیری سیاسی و اجتماعی کردن سیاست به نظام امکان می دهد تا خود را با فشارهای ناشی از دگرگونی (تغییرات) تطبیق بدهد.

لذا به تدریج که توسعه به کمال می‌رسد به نقش‌ها هم تخصصی‌تر شده و محتاج کار گذارانی می‌شوند که از ویژگی‌های بالاتری برخوردار باشند و به دنبال هیئت‌های سیاسی می‌روند  
و این کار ویژه هم به نوبه خود به تولید نهادها کمک می‌کند که تخصصی عمل کنند.  
کارایی‌های کارکردی نظام سیاسی: دارای ۵ کار ویژه هستند که تمامی نظام‌های سیاسی در ارتباط با محیط خود انجام می‌دهند.

**توان استحصال:** امکان کشف منابع مادی و انسانی برای رسیدن به هدف را محقق می‌سازد.

**توان تنظیم:** اعمال نظارت و هماهنگی نظام بر افراد و گروه‌ها

**کارایی توزیع:** ناظر بر تقسیم کالا، خدمات و وضعیت‌های موجود در جامعه

**توان سمبولیک:** به مجموع تلاش‌های سمبولیکی مانند جشنها و رژه‌ها و....

**توان پاسخ‌گویی:** درجه حساسیت‌های نظام و مهارت‌های آن در ارضای تقاضاها را نشان می‌دهد.

آلموند و پاول نظام‌های سیاسی را بر حسب سطح توسعه به سه دسته تقسیم می‌کنند.

**نظام‌های بدوی:** دارای ساختارهای گسیخته و فاقد تنوع بوده و فرهنگ محلی و منطقه‌ای

**نظام‌های سنتی:** با درجه‌ای از تنوع ساختاری آشنا شد

**نظام‌های جدید:** دارای فرهنگ مشارکتی و متنوع هستند.

**لوسین پای:** لوسین پای دیدگاه‌های خودشان را در کتاب جنبه‌های توسعه سیاسی و مقاله‌ای در کتاب بحران‌ها و توالی‌ها و توسعه سیاسی ارائه کرده است.

به عقیده پای در تمامی جوامع نشانه توسعه عبارت‌اند:

**برابری:** شهر و ندان به صورت برابر در زندگی سیاسی مشارکت نمایند.

کارایی و توان پاسخ گویی نظام سیاسی: اقدامات حکومت باعث افزایش رفاه همگانی می شود.

**تمایز گذاری و تخصصی شدن ساختارها:** پیچیده شدن نقش ها، تخصص و تسلیم حوزه های مختلف است

هر جامعه ای برای رسیدن به نو گرایی بدون بحران و تنش نخواهد بود و توسعه سیاسی زمانی حاصل می شود که یک نظام بتواند بر این بحران ها فائق آید.

بحران ها به شرح ذیل می باشد.

**بحران هویت**

**بحران مشروعیت**

**بحران مشارکت**

**بحران توزیع**

**بحران همبستگی و نفوذ**

**بحران هویت:** باید مردم دارای احساس ملی باشند و هر فرد خودش را وابسته به گروهی و خودش را وابسته به یک منطقه بدانند.

در تاریخ اروپا اختلافاتی که بین دولت و کلیساها پیدا شد مظهر وجود بحران هویت بود که با ایجاد دولت های ملی و پذیرش زبان، تاریخ، فرهنگ و سرزمین مشترک حل شد.

**بحران مشروعیت:** اختلافاتی است که در مقبولیت یک حکومت در بین مردم بوجود می آید و زمانی این مشروعیت پا برجا است که دلایلی که حکام برای حکومت کردن می آورند. به وسیله عامه مردم پذیرفته شود در تاریخ اروپا بحران مشروعیت به صورت اختلال بین پادشاهان و روحانیون کلیسا نمایان شد، و با حاکمیت مردم پایان یافت و بر این اساس حاکمیت از جانب مردم به حکام واگذار و این واگذاری دائمی نیست و می توانان را بار دیگر سلب نمود.

**بحران مشارکت:** وقتی که بحران هویت و بحران مشروعیت حل شد مردم به دنبال حق خودش در مشارکت هستند و با افزایش گروه‌های انتقایی، باشگاه‌ها و احزاب سیاسی و در نهایت این بحران با گسترش حق رأی همگانی حل می‌شود.

**بحران توزیع:** این بحران حاکی از ضرورت توزیع امکانات اقتصادی در بین مردم است باید کالاها و خدمات و ارزشها در عرصه جامعه توزیع شود و نیاز به مداخله دولت می‌باشد پس راه حل این بحران پیدایی دولت رفاه است.

**بحران نفوذ و همبستگی:** ساختار حکومت باید پاسخ‌گوی نیازهای مردمی باشد و مسائل جدید را از طریق ایجاد نهادهای ملی و محلی و منطقه‌ای حل کند و حل این بحران هم موجب افزایش کارایی نظام سیاسی و هم ایجاد تفاهم بین مردم و نخبگان و به طور کلی همبستگی اجتماعی می‌شود به عقیده پای این نهادها در همه جا به یک سیاق اتفاق نمی‌افتد و مشکل اساسی این می‌باشد که همه بحران‌ها انباشته شده و به طور همزمان پیش بیاید.

**هانتینگتون:** عمده‌ترین آثار هانتینگتون در خصوص مسائل توسعه و نوسازی کتاب نظم سیاسی در جوامع در حال دگرگونی است. و مقالاتی هم در این خصوص دارد که مهم‌ترین آنها توسعه سیاسی و زوال سیاسی است. هانتینگتون بین توسعه و نوسازی تمایز قائل می‌شود.

از نظر ایشان نوسازی تحول در شاخصهای عمومی زندگی در روزگار نواست ولی توسعه و تحول در نهادهای مختلف در حوزه‌های سیاسی اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و..... است. نوسازی جنبه عام و توسعه جنبه خاص دارد.

هرچه نهادها نیرومندتر باشند قطعاً حجم و کارایی آن نیز بیشتر خواهد بود.

به عقیده ایشان یک نظام سیاسی برای اینکه از عهده نوسازی برآید نخست باید سیاسی را بدعت گذاری تا بر پایه آن اصلاح اجتماعی و اقتصادی را با اقدام دولتی به پیش برد.

**اصلاح یعنی:** دگرگونی سازی ارزش‌های سنتی.



بعضی از محققان بر این عقیده‌اند که هانتینگتون از نظر توسعه اساساً محافظه کارانه و بر پایه ارزش‌هایی چون ثبات، نظم، تعادل و هماهنگی استوار است و به سوی ثبات نهادی تمایل دارد.

**پل باران:** از اولین نظریه پردازان وابستگی است و دیدگاه‌های فرد را در کتاب اقتصاد سیاسی رشد ارائه کرده است.

باران معتقد است ورود سرمایه داری جهانی به درون اقتصاد عقب مانده مانع از تحقق شرایط رشد اقتصادی به مفهوم کلاسیکان در این کشورها شده است. توسعه شتابان و نگرانی سرمایه داری صنعتی در غرب نتیجه استعمار و استثمار بین المللی و تخریب نظام‌های اقتصادی ماقبل می‌شود.

باران استدلال می‌کند پس از پیدایش وضع توسعه یافتگی و توسعه نیافتگی همه کشورهای جهان به صورت کم و بیش شرایط مشابه داشته‌اند و نظام سیاسی و فتودالی در همه جا برقرار بوده است.

فرو پاشی این وجه تولید در همه جا در نتیجه سه عامل عمده صورت گرفت:

**۱) شورش‌های دهقانی در نتیجه فشارهای جامعه و فتودالی و پیدایش نیروی کار آزاد**

**۲) رشد و توسعه شهرها و طبقات تاجرپیشه و صنعتگر**

**۳) تجاری شدن کشاورزی و انباشت سرمایه اولیه در دست بورژوازی نوپا**

انباشت سرمایه تجاری اولیه به دو دلیل شتاب بیشتری پیدا کرد:

**اول:** موقعیت جغرافیایی اروپائیان و توسعه زود رس در کشتیرانی و گسترش راه‌های دریایی و اکتشاف جغرافیایی

**دوم:** ضعف منابع کانی و طبیعی اروپایی که موجب توجه و دست اندازی اروپائیان به منابع سرزمین‌های غنی شد.

روابط اروپائیان با مناطق دیگر به دو صورت شکل گرفت:

**۱) سکنی گرفتن در منطق عمدتاً خالی از سکنه مانند آمریکا و استرالیا**

**۲) استعمار و استثمار مناطق مسکونی در آسیا و آفریقا به منظور انتقال ثروت آنها**

افزایش واردات غربی موجب ورشکستگی صنایع بومی مستعمرات شد.

از یک سو شرایط برای پیدایش روابط تولید سرمایه داری در مستعمرات فراهم شد و از سوی دیگر غارت مازاد اقتصاد از پیدایش شرایط توسعه در این کشورها جلو گیری کرد.

به عقیده باران، استعمار موجب عقب ماندگی هند شد و ژاپن که از بلای استعمار جان سالم بدر برد توانست پوشش طبیعی خود را طی کند.

تنها راه پیشرو کشورهای در شرایط وابستگی و توسعه نیافتگی انقلاب سوسیالیسی است.

**آندره گوندر فرانک:** فرانک با ارائه تبیینی برون گرا از توسعه جهان سوم به مقابله با تبیین درون گرایانه مکتب نوسازی برخاست.

به عقیده او نظریه پردازان این مکتب وابستگی متقابل میان جهان توسعه یافته و جهان توسعه نیافته را در نمی یابند ایشان معتقد است جهان پیشرفته صنعتی خودش به تنهایی صنعتی نشده بلکه با انجام اقتصاد دیگران در درون خود توسعه پیدا کرده است، از همین روست که توسعه یافته و توسعه نیافته لزوم ملزوم یکدیگر هستند.

فرانک معتقد است سه ویژگی سرمایه داری ذیل علت اصلی توسعه نیافتگی دیگر کشورها هستند:

**(۱) تصاحب بسیاری از کشورها توسعه نیافته توسط معدود کشورهای توسعه یافته**

**(۲) قطبی شدن نظام سرمایه داری و تبدیل آن به مرکزها و پیرامون ها**

**(۳) استمرار ساختار اصلی نظام سرمایه داری به نحوی که به تداوم ویژگی های اول و دوم منجر می شود.**

به عقیده فرانک امکان انزوای اقتصاد کشورهای غیر سرمایه ای از اقتصاد سرمایه داری چه در سطح ملی و چه در سطح جهانی وجود ندارد.

اقتصاد جهانی دارای مرکز و پیرامونهایی هستند و باهم پیوسته هستند و هیچ اقتصادی نیست که درون این شبکه ادغام نشده باشد.

ویژگی ساختاری اصلی این شبکه خصلت انحصاری سلطه مرکز به پیرامون خویش است.

فرانک معتقد است ارزش منابع در هر منطقه ای بوسیله اقتصاد جهانی و نیازهای آن تعیین می‌شود.

هر جا نیاز و توجه مرکز به منابع محلی اندک بوده امکان توسعه مستقل پیدا شده است.

**سمیر امین:** از اواخر دهه ۱۹۶۰ این موضوع مورد توجه مارکسیست‌ها قرار گرفت که یک نظام واحد سرمایه داری است که نیروی خود را از توسعه شیوه تولید سروپمایه داری در مرکز کسب می‌نماید.

در این روند اقتصاد کشورهای پیرامون با همکاری طبقات مسلمان مورد تجاوز قرار می‌گیرد و دستخوش استحاله می‌شود.

به عقیده امین وابستگی به عنوان بخشی از طبیعت نظام سرمایه داری است یک نظام سرمایه داری جهانی وجود دارد که محرک توسعه خود را از مرکز این نظام (کشورهای پیشرفته صنعتی) می‌گیرد. این مرکز قادر به توسعه خود محور و مستقل هستند در حالی که کشورهای پیرامونی و توسعه نیافته قادر به این کار نیستند.

سمیر امین سه ویژگی برای کشورهای توسعه نیافته و پیرامونی ذکر می‌کند.

### (۱) نابرابری سطوح بهره‌وری

### (۲) از هم گسیختگی اقتصاد

### (۳) سلطه نیروهای خارجی

به عقیده امین از زمان جنگ جهانی دوم دو تحول در روابط مرکز و پیرامون صورت گرفته:

### (۱) گسترش شرکت‌های چند ملیتی

### (۲) انقلاب تکنولوژیک

کاردوزو وفالتو:

کاردوزو وفالتواین دو از متفکرین جدید وابستگی به شمارمی رود کاردوزو تعمداً از اصطلاح توسعه وابستگی استفاده می کند چرا که دو مفهوم جداگانه و متناقض را در بر می گیرد.

نظریات نوسازی فقط به توسعه ونوسازی اشاره دارد ونظریات وابستگی سنتی وامپریالیسم نیز بر رابطه استثمار وبهره کشی میان کشورهای مرکز و کشورهای پیرامون تاکید دارد.

اما ادعا کاردوز این است که با ظهور شرکت های چند ملیتی ورود سرمایه صنعتی به کشورهای پیرامون وپیدایش تقسیم کار جدید بین المللی مرحله نوینی آغاز شده است واعتقاد دارد این حرکت به ارتقاء توسعه کشورهای پیرامونی کمک می کند چرا که هدف شرکت های خارجی تولید کالا وفروش در بازار داخلی است ومنافع انها در راستای رشد اقتصادی کشور وابسته قرار می گیرد.

واعتماد دارد توسعه وابسته به دلیل فقدان تکنولوژی مستقل ناقص الخلقه باقی می ماند.

در واقع قصد کاردوزو بررسی وابستگی وتوسعه یاهمین طور سلطه خارجی ونیروهای سیاسی داخلی در کنار یکدیگر است تا به این وسیله نشان دهد چگونه تعامل میان این دو (نیروها وبازیگران) سبب ایجاد توسعه ای پویا در درون مرزهای ساختاری وابستگی شده است.

سه نوع بازیگران سیاسی در الگوی کاردوزو.

### ۱) دولت های نظامی

### ۲) شرکت های چند ملیتی

### ۳) بورژوازی محلی

کار دوزو معتقد است این سه گروه در برزیل از سال ۱۹۶۴ برای دست یابی به توسعه مقارن باوابستگی بایکدیگر ائتلاف سیاسی تشکیل داده اند

فالتو وکار دوزو در کتاب وابستگی وتوسعه در امریکای لاتین به نقد وبررسی نقش نیروهای اجتماعی وسیاسی محلی در درون چارچوب کلی وابستگی می پردازد

به عقیده این دو، تفاوت راههای توسعه در مورد کشورهای مختلف ناشی از میزان منابع طبیعی کشورها به میزان حضور سرمایه خارجی، شیوه جهت گیری نیروهای طبقات محلی نسبت به سرمایه بین المللی، شیوه سازمان دهی به دولت توسط طبقات داخلی به میزان قدرت بورژوازی و بهره تاریخی ادغام کشورهای پیرامونی در مرکز است.

**گلیر مو اودانل:** اودانل در کتاب خود تحت عنوان نوسازی و دیوان سالار اقتدار گرایی به بررسی دیوان سالار اقتدار گرایی می پردازد بروز این دولت ها ابتدا در کشورهای امریکای لاتین در دهه ۱۹۶۰ و به طور خاص در برزیل، آرژانتین، شیلی و اروگوئه بوده است

به عقیده او دولت های دیوان سالار اقتدار گرا بر خلاف دیگر شکل های سلطه سیاسی نظیر اقتدار گرایی سنتی و فاشستی حاوی خصایص ذیل می باشند:

### **حاکمیت دیوان سالار**

#### **انحصاری سیاسی**

#### **انحصاری اقتصادی**

#### **سیاست زدایی**

#### **تعمیق سرمایه داری وابسته**

**حاکمیت دیوان سالار:** بدین معناست که مناصب عالی حکومت معمولاً توسط افرادی اشغال می شوند که یک دوره عملکرد موفقی داشته اند

**انحصار سیاسی:** دولت های دیوان سالار اقتدار گرا هم از طریق سرکوب و هم از طریق کنترل های مردمی یا جمعی خود در سازمانهایی نظیر اتحادیه های کارگری و مجاری دسترسی عامه مردم به سیاست را می بندد

**انحصاری اقتصاد:** دولت های دیوان سالاری اقتدارگرا ارزشهای بی انتهای بخش مردمی برای مشارکت اقتصادی را کاهش داده یا به آینده موکول می نماید

**سیاست زدایی:** مسائل اجتماعی در مسائل فنی تقلیل پیدا می کند و حل آنها در گرو برنامه ریزی دیوان سالاری دولتی است

**تعمیق سرمایه داری وابسته:** این نوع دولت ها در کشورهای جهان سوم همراه است

به عقیده او این کشورها با نبود رهبران بخش مردمی و تبدیل سازمان های کارگری در سطح کارخانه جات به یک بازوی دولت تبدیل می شود حذف بخش مردمی از صحنه سیاسی ضمن تأمین نظم و شرایط لزوم برای تثبیت روابط ضمانت بیشتری را برای سرمایه گذاری و سود آور و انگیزه جدیدی را برای تعمیق ساخت تولید فراهم می کرد و معتقد بود اگر دولت ها از طریق سرکوب سیاسی اقدام نمی کردن تعمیق تولید و صنعت هیچگاه امکان پذیر نبود.

نخستین اقدامات دولت اقتدار گرا دیوان سالار را می توان اینگونه بر شمرد:

**جدایی سیاسی از بخش مردمی**

**ابهام زدایی از متحدین اولیه**

**وابستگی به سرمایه های بین المللی**

دولت های دیوان سالار اقتدار گرا زمانی می توانند قدرت خود را تحکیم بخشند و از مرحله اولیه عبور کنند که جریان ورود سرمایه های بین المللی به شکل منظم و مستمر در بیاید و در این شرایط است که می توان بهبود قابل توجه در رشد تولید ناخالص ملی از فعالیت های قبلی شرکت های فراملیتی مشاهده کرد، و در این صورت دولت های دیوان سالار اقتدار گرا از قدرت چانه زنی بیشتری نسبت به قبل برخوردار خواهند شد.

یک دولت دیوان سالار اقتدار گرا موفق می تواند با یک سیاست مناسب دوباره فضا را برای فعالیت مجدد بورژوازی فراهم کند و به این روش شکل مثلی می گیرد که دولت اقتدار گرا سرمایه بین المللی و سرمایه محلی رئوس سه گانه آن را تشکیل می دهد.

به عقیده اودانل در دو صورت دولت های دیوان سالار اقتدار گرا دچار فروپاشی می شوند:

۱) جامعه مدنی با فعالیت‌های خود دولت را مضمحل کند و آن را مجدداً وادار کند تا حساسیت بیشتری نسبت به مسائل اجتماعی و اعمال محدودیت بر سرمایه‌های بین‌المللی از خود نشان دهد و در واقع ویژگی‌های خود را تعدیل نماید مانند ارژانتین

۲) دولت اقتدار گرا دوباره پس از تحکیم سیاست ملی گرایانه را دنبال نماید.

**امانوئل والر شتاین:** در اواسط دهه ۱۹۷۰ گروهی از محققان بنیاد گرا به سرپرستی امانوئل والر شتاین دریافته بودند که در چارچوب دیدگاه وابستگی نمی‌توان به تبیین بسیاری از تحولات جدید در اقتصاد جهانی سرمایه داری دست زد

دیدگاه نظام جهانی والر شتاین متأثر از دو منبع فکری بود:

۱) ادبیات نومارکسیستی در زمینه توسعه

۲) دیدگاه‌های فرنان برودل مورخ فرانسوی

الر شتاین ابتدا بسیاری از اصول عقاید مکتب وابستگی را تأیید کرد ولی به علت نفوذ فرنان بر روی وی پارا فراتر از دایره مکتب نومارکسیستی گذاشت و هدف فرنان به توسعه و تدوین تاریخ جهان شمول بود.

الر شتاین آثار زیادی داشت ولی دو اثرش از اهمیت بالاتری برخوردار بود:

**کتاب نظام نوین جهانی**

**مقاله توسعه ستاره راهنما یا خطای دید**

ایشان اقتصاد جهان را به دو دوره تقسیم می‌کند

۱) از قرن شانزدهم تا سال ۱۹۴۵

۲) از سال ۱۹۴۵ تا امروز

دوره پیش از ۱۹۴۵: از نظر والر شتاین این دوره دو ویژگی دارد

**اول قطبی شدن:** از دیدگاه والراشتاین اقتصاد سرمایه دار از قرن شانزدهم با مرکزیت اروپا شروع شد، و تا سال ۱۶۰۰ مناطق شرق و مرکز اروپا در مقایسه با مناطق شمال و غرب این قاره با نشانه‌های زیر شناخته می‌شدند

(۱) میزان مصرف سرانه آنان در سطح پایین تری قرار داشت

(۲) جریان تولید محلی عمدتاً متکی به کار اجباری بود

(۳) ساختار دولتی از نظر داخلی، غیر متمرکز و از نظر خارجی ضعیف تر بود.

**دوم الحاق:** اقتصاد جهانی سرمایه داری در دوره پیش از ۱۹۴۵ علاوه بر قطب بندی مناطق ویژگی دیگری بنام الحاق داشت منظور از الحاق گسترش منظم مرزهای اروپا به سمت بخشهای دیگر جهان و فرایند الحاق از قرن هفدهم شروع شد و تا قرن نوزدهم نقطه ای نمانده بود که از حیث عملکرد بین المللی خارج باشد. والراشتاین متذکر می‌شود تحولات جهان اقتصادی بعد از سال ۱۹۴۵ از دو جهت قابل توجه بود.

**اول:** اقتصاد جهانی بعد از سال ۱۹۴۵ به اندازه تمام سالهای ۱۵۰۰ تا ۱۹۴۵ رشد کرده بود.

**دوم:** قدرت سیاسی نیروهای مخالف سرمایه داری تا حد شگفت آور افزایش یافت در این زمینه می‌توان به کشورهای سوسیالیستی، جنبش‌های آزادی بخش، و به قدرت رسیدن احزاب سوسیال اشاره کرد.

والراشتاین جهان را به سه قسمت تقسیم می‌کند:

**منطق مرکزی**

**منطق پیرامونی**

**منطق نیمه پیرامونی**

**مناطق مرکزی:** مراکز سلطه اقتصادی و قدرت امپراطوری بود

**منطق پیرامونی:** در معرض کنترل امپراطوری بود

**مناطق نیمه پیرامونی:** شامل کشورهای مرکزی می‌شود که به موقعیت پیرامونی رانده شدند



تهیه کننده: سرحدی و ...

ویراستار: فتحی